سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم

(اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)

سخنران: دکتر محمدرضا دهشیری

گزارش نشست علمی ـ تخصصی دفتر مطالعات سیاسی

مطالب مطرح شده در این نشست لزوماً
بیانگر موضع رسمی مرکز پژوهش‌ها نیست.

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۳۱۸۰
دفتر: مطالعات سیاسی
شهریورماه ۱۳۹۲

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده ۱
مقدمه ۲
مشروح نشست ۳
پرسش و پاسخ ۱۶

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم
(اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)

سخنران: دکتر محمدرضا دهشیری

گزارش نشست علمی ـ تخصصی دفتر مطالعات سیاسی

چکیده

پیروزی دکتر حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری، باعث شکل‌گیری مباحث گسترده‌ای در مورد دورنمای سیاستگذاری‌های دولت در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی شده است. در این میان مسائل مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار سال آینده به محوری مهم و اساسی تبدیل شده است.

گزارش حاضر متن تنظیم شده سخنرانی دکتر محمدرضا دهشیری استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه پیرامون اولویت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های فراروی سیاست خارجی ایران در دولت یازدهم است. وی به‌صورت جامع به مسائل و چالش‌های اساسی پرداخت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی با آنها روبرو است و ترجیحات و مطلوبیت‌هایی را که باید در حوزه سیاست خارجی مورد نظر تصمیم‌گیرندگان قرار گیرند، مورد بررسی قرار داد.

مقدمه

پس از برگزاری یازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، مناظرات و مباحث گسترده‌ای در محافل سیاسی، دانشگاهی و رسانه‌ای کشور درخصوص فرصت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای فراروی دولت یازدهم در حوزه‌های مختلف مطرح شدند. در عین حال محوریت حوزه سیاست خارجی در مناظرات و رقابت‌های انتخاباتی کاندیداها، سبب شد تا مسائل مربوط به این حوزه در کانون بحث محافل مختلف قرار گیرند. اهمیت ذاتی سیاست خارجی که پیوند عمیقی با سایر موضوعات ازجمله مشکلات اقتصادی و مسائل امنیتی دارد، این حوزه را به یکی از مهمترین حوزه‌های کلان کشور تبدیل کرده است.

اجماع قابل تأییدی میان صاحبنظران و کارشناسان وجود دارد که نظام بین‌الملل، سرشار از فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیداتی است که شناخت دقیق آنها شرط لازم برای تنظیم یک سیاست خارجی مؤثر و کارآمد است. این امر مقدمه تدوین و کاربست راهبردهای متناسب و مقتضی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی و تأمین و توسعه منافع ملی کشور در محیط بین‌المللی است. ازاین‌رو مجموعه اقدامات و ابتکاراتی که در مقطع تشکیل دولت جدید در راستای تبیین و تشریح مسائل اساسی کشور در حوزه سیاست خارجی به انجام می‌رسند، می‌توانند نقش مؤثری در تأمین بهینه منافع و مصالح ملی کشور داشته باشند.

با توجه به اهمیت موضوع و نقش مؤثر مجلس شورای اسلامی در ترتیبات مرتبط با حوزه سیاست و روابط خارجی کشور، گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس، اقدام به برگزاری سلسله نشست‌های

تخصصی با حضور کارشناسان و اساتید برجسته این حوزه کرده است. هدف از برگزاری این جلسات، تبیین چالش‌ها، اولویت‌ها و راهبردهای دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی و ارائه یافته‌های علمی حاصل از این جلسات به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به‌ویژه اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی است. در این راستا، پنجمین جلسه از سلسله نشست‌های تخصصی گروه سیاست خارجی با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم؛ اولویت‌ها، چالش‌ها و راهبردها» در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۹۲ با سخنرانی دکتر محمدرضا دهشیری استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه برگزار شد که مشروح آن در این گزارش ارائه می‌شود.

مشروح نشست

به‌منظور بررسی اولویت‌های دولت جدید در عرصه سیاست خارجی، لازم است ابتدا چالش‌های موجود در این حوزه، شناسایی و متناسب با آنها، اهداف و اولویت‌ها تعیین و هدفگذاری شوند. به‌طور کلی چالش‌های حوزه سیاست خارجی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی‌اند.

۱. چالش‌های منطقه‌ای دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی

ازجمله چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ مطلوب نبودن فضای سیاست خارجی برای ایران در منطقه

در سطح منطقه‌ای علیرغم ظهور بیداری اسلامی و وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی برای کشور، بهره‌برداری مناسبی از این فرصت‌ها نشده به‌گونه‌ای که در مواردی عملاً موج بیداری اسلامی علیه ایران شکل گرفته است. در این فرآیند شاهد رقابت سه حوزه ژئوپلیتیک با یکدیگر بودیم: ژئوپلیتیک شیعه، سلفی و اخوان. درحالی که امکان برقراری پیوند با ژئوپلیتیک اخوان‌المسلمین علیه ژئوپلیتیک سلفی برای ایران وجود داشت، اما در عمل فضا به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد و در نهایت اتحاد ژئوپلیتیک سلفی با اخوان علیه ایران پدید آمد. به‌علاوه می‌توان به وجود فضای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه اشاره کرد که رو به افزایش است و در این فضا تفرقه میان شیعه و سنی روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. متأسفانه گروه‌های فلسطینی مانند حماس نیز به این فضا دامن زدند. در هر حال نشانه‌هایی مبنی‌بر عدم فضای مطلوب برای سیاست خارجی ایران در منطقه مشاهده می‌شوند که ازجمله این نشانه‌ها می‌توان به فشار روزافزون بر شیعیان، تقویت گروه‌های ضدشیعی و ضدایرانی و افزایش شیعه‌کشی در مصر اشاره کرد.

ـ افزایش نگرانی‌های کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای

درحال حاضر، وضعیت ایران در میان همسایگان جنوبی و کشورهای حاشیه خلیج فارس وضعیت مطلوبی نیست. ادامه ادعاهای امارات درخصوص مالکیت بر جزایر سه‌گانه، تحرکات کشورهای عرب منطقه برای تشدید فشار کشورهای غربی به ایران در موضوع هسته‌ای و در نتیجه افزایش تحریم‌ها را می‌توان ناشی از شدت نگرانی

این کشورها از ایران دانست، به‌طوری که کشورهای غربی در مذاکراتشان اذعان می‌کنند نگرانی اعراب از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای به فضای منفی و افزایش تحریم‌ها علیه ایران دامن زده است.

ـ ناکارآمدی سازمان‌های منطقه‌ای که ایران در آنها حضور دارد

برخی از سازمان‌های منطقه‌ای که ایران در آنها حضور دارد، از کارآمدی لازم برخوردار نیستند. ازجمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)، گروه دی ـ هشت و سازمان همکاری شانگهای اشاره کرد. متأسفانه ایران در صحنه عمل نتوانسته است از طریق چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای، حداکثر بهره‌برداری را از حضور در این سازمان‌ها به‌عمل آورد.

در مجموع ایران در حوزه منطقه‌ای چه در میان کشورهای حوزه خلیج فارس و چه در میان همسایگان شمالی حوزه دریای خزر نتوانسته فضای تنش و تقابلی را که با کشورمان وجود دارد کاهش داده و به احقاق حقوق خود بپردازد.

۲. چالش‌های بین‌المللی دولت یازدهم در حوزه سیاست خارجی

ازجمله چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ جبهه‌بندی‌های سیاسی و تلاش برای منزوی کردن ایران

در سطح بین‌المللی با وجود رویکرد نگاه به شرق، ایران با نوعی سردی روابط با اروپا و آمریکا روبرو شده به این معنی که عملاً نتوانسته نه تنها با آمریکا بلکه با

کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا روابط گرمی برقرار کند. این مسئله در بسیاری از موضوعات مرتبط با سیاست خارجی ایران ایجاد مشکل کرده است. برای مثال در بحث حقوق بشر، قطعنامه‌های متعددی علیه ایران صادر شده و از طرفی تأثیر ایران در سازمان‌های بین‌المللی نیز تحت‌الشعاع گروه‌بندی‌های سیاسی قرار گرفته و غرب تلاش می‌کند ایران را به‌صورت کشوری منزوی، مجزا و منفرد در سطح بین‌الملل معرفی کند. دلیل این امر آن است که ایران در هیچ‌یک از گروه‌بندی‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای نقش مؤثری ندارد، البته در این میان جنبش عدم تعهد دارای ظرفیت‌های قابل توجهی است که می‌توان به نحو مطلوب از آنها استفاده کرد.

ـ امنیتی شدن هویت ایران

به‌طور کلی چالش اصلی ایران هم در فضای منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی، امنیتی شدن هویت ایران است. بر این اساس نهادهای امنیتی داخلی و نیز موضوعات امنیتی بین‌المللی بر اولویت‌های سیاست خارجی ایران اثر گذاشته و باعث تنگ شدن فضای تحرک ایران در عرصه سیاست خارجی شده‌اند. ازاین‌رو با وجود چنین چالش‌هایی، دولت یازدهم باید تصمیم‌گیری کند که برای برون‌رفت از این فضا و حل مشکلات سیاست خارجی کشور لازم است چه ملاحظاتی را در نظر بگیرد.

۳. راه‌های برون‌رفت از چالش‌های مبتلا به کشور در حوزه سیاست خارجی

دولت جدید برای رفع چالش‌ها و خارج شدن از فضای کنونی نیازمند آن است که ملاحظات و راهکارهای مقتضی ذیل را مد نظر قرار دهد:

ـ تغییر ادبیات جمهوری اسلامی ایران در گفتگو با غرب

بسیاری از صاحبنظران حوزه سیاست خارجی معتقدند که یکی از راهکارهای جمهوری اسلامی ایران برای حل چالش‌های موجود آن است که ادبیات خود را در مواجهه با غرب تغییر دهد. بسیاری از سفرای کشورهای خارجی نیز بر این مطلب تأکید می‌کنند. برای مثال در دیدار سفیر اتریش با رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نکاتی مطرح شدند که مهمترین آنها تأکید بر تغییر ادبیات جمهوری اسلامی ایران در گفتگو با غرب بود، به‌طوری که به گفته وی در هر نوشته یا سخنرانی برای مخاطب قرار دادن غربی‌ها، حداقل سه بار از واژه‌هایی چون دشمن، بیگانه یا جاسوس استفاده می‌شود. لازم است بر این نکته تأکید ورزیم که در قرن ۲۱ استفاده از چنین واژه‌هایی با سیاست تعامل، مغایرت دارد. امروزه در دنیا گفتمان مصالحه مطرح است و در چنین فضایی طرفین باید به نوعی براساس قاعده برد ـ برد در راستای منافع خودشان عمل کنند. هر کشوری به‌طور مشخص به‌دنبال تأمین منافع خود است ولی این تأمین منافع، ضرورتاً به معنای رسیدن به تمام خواسته‌ها نیست و اگر بخشی از خواسته‌های طرفین محقق شوند، کفایت می‌کند. ازاین‌رو اگر طرفین شروع به اتهام زدن و نسبت دادن القاب ناشایست به یکدیگر کنند، مسلماً با معضلاتی در عرصه سیاست خارجی روبرو خواهیم شد. بنابراین لازم است ادبیات سیاسی کشور تغییر یابد تا از این طریق رئیس‌جمهوری جدید بتواند نوعی اعتمادسازی در سطح بین‌المللی و به‌ویژه در سازمان ملل متحد ایجاد کند. در این راستا می‌توان در زمینه روابط میان کشورهای اسلامی، اجلاس‌های بین‌المللی برگزار کرد یا پیشنهاد داد سال ۲۰۱۵ به‌عنوان سال هم‌افزایی فرهنگ‌ها نامگذاری شود.

ـ توجه به موضوعات تمدنی به‌جای موضوعات امنیتی

نکته حائز اهمیت دیگر، تغییر فضا از توجه به موضوعات امنیتی به موضوعات تمدنی است. با توجه به اینکه ایران دارای تمدنی غنی است، تأکید بر مباحث تمدنی و همکاری‌های فرهنگی در فضای انسداد سیاست خارجی از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. از طرفی با تأکید بر مزیت‌هایی که ایران دارد می‌توان شعار تمدن نوین اسلامی ـ ایرانی را مطرح کرد و این موضوع با توجه به موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و همچنین ظرفیت تمدنی ایران، قابلیت بهره‌برداری هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی را دارد. در واقع همان‌طور که کارکردگرایان بر تغییر جهت موضوعات به سمت مسائل غیرمناقشه‌برانگیز تأکید می‌کنند، فضای کشور را باید به سمت موضوعات غیرسیاسی و غیرامنیتی سوق داد.

ـ اصلاح ساختار وزارت امور خارجه

نکته دیگر، اصلاح ساختار وزارت امور خارجه است. جایگاه وزارت امور خارجه، جایگاه تعریف شده‌ای نیست، به‌طوری که در برخی مسائل نفوذ زیادی پیدا کرده و انبساط داشته، اما در مورد بعضی مسائل دیگر، دچار انقباض شده است. برای مثال در موضوعات فرهنگی به‌دلیل اینکه رایزن باید از وزیر تبعیت کند، ممکن است مسائل فرهنگی تحت‌الشعاع ملاحظات سیاسی قرار گیرند. ازاین‌رو وزارت امور خارجه در این گونه مسائل حوزه اختیارات وسیعی دارد.

در مورد مباحث هسته‌ای انقباض وزارت امور خارجه را شاهدیم زیرا در عمل اجازه دخالت و تصمیم‌گیری به این وزارتخانه داده نشده و شورای عالی امنیت ملی در

این زمینه مسئولیت دارد. این درحالی است که وزارت خارجه کارشناسان مجربی در حوزه خلع سلاح دارد که در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات آنها استفاده نمی‌شود. بنابراین شناخت جایگاه وزارت امور خارجه و برقراری تعادل بین ساختار و عملکرد آن بسیار حائز اهمیت است. این وزارتخانه می‌تواند هماهنگ‌کننده موضوعات فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی در عرصه بین‌المللی باشد و آنها را مدیریت کند. درواقع بهتر است فعالیت‌ها ساماندهی شوند و به دیگران برای فعالیت و اظهارنظر امکان داده شود، اما در نهایت وزارت امور خارجه به‌عنوان بدنه تصمیم‌گیری باید در مورد مسائل سیاست خارجی ورود کند. همچنین این نهاد باید در شورای عالی امنیت ملی حضور پررنگ‌تری داشته باشد تا فضای این شورا از حالت امنیتی خارج شود. بنابراین لازم است نه تنها برای وزارت امور خارجه، بلکه برای نهادهای مرتبط با آن نیز تعریف وظایف مجددی صورت پذیرد. برای مثال سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مسائل فرهنگی نظرات مرتبط را بیان کند یا در موضوعات هسته‌ای نقش وزارت خارجه به‌ویژه در شورای عالی امنیت ملی پررنگ‌تر شود. با بهره‌گیری از ظرفیت وزارت امور خارجه و استفاده از کارشناسان و نخبگان مسلط و باتجربه در حوزه سیاست خارجی می‌توان از اتخاذ تصمیم‌های شتابزده و نسنجیده جلوگیری کرد.

ـ کاهش فضای امنیتی در حوزه سیاست خارجی و تأکید بر تعامل‌گرایی

در این راستا مهمترین اقدام و راهکار اولویت‌دار، امنیت‌زدایی از سیاست خارجی است تا با زدودن چهره امنیتی از موضوعات مختلف سیاست خارجی، به فضایی متعادل دست یابیم که در آن امکان گفتگو و تعامل با سایر کشورها وجود داشته

باشد و از این طریق بتوان برای بهبود سیاست خارجی کشور تلاش کرد. در این راستا توجه به گفتمان امنیت دسته‌جمعی در عرصه منطقه‌ای و گفتمان تعامل‌گرایی سازنده در عرصه بین‌المللی راهکارهایی محسوب می‌شوند که باید به‌صورت جزئی مورد تعریف قرار گیرند. اکنون در جهان عرب و همچنین در میان افکار عمومی غرب، نوعی بدبینی نسبت به ایران وجود دارد که روز به روز نیز درحال افزایش است. در آمریکا هم تمامی سناتورها مواضع ضدایرانی دارند، به این معنی که در کنگره آمریکا حتی یک سناتور در برابر تصمیمات این نهاد از ایران حمایت نمی‌کند. بنابراین باید این مسائل را مورد توجه قرار داد و برای تغییر افکار عمومی غرب تلاش کرد. از طرف دیگر در عرصه منطقه‌ای، رژیم اسرائیل با روی کار آمدن آقای روحانی احساس خطر کرد، زیرا تا به‌حال مواضع تهاجمی ایران به‌نفع اسرائیلی‌ها تمام می‌شد. به این معنی که رژیم صهیونیستی تاکنون تلاش می‌کرد سطح تحلیل مسائل منطقه را کاهش داده و مسئله فلسطین را از منازعه جهان اسلام با اسرائیل به یک منازعه ایرانی ـ اسرائیلی تبدیل کند، اما همانطور که امام خمینی (ره) فرمودند این مسئله، منازعه جهان اسلام با اسرائیل است، اکنون باید با موضع‌گیری‌های سنجیده، تلاش‌های این رژیم را خنثی کرد و فضا را به این سمت سوق داد که کل جهان اسلام، فلسطین را به‌عنوان محور وحدت خود قلمداد می‌کند، البته این موضوع نیازمند هماهنگی و همکاری در درون کشورهای اسلامی است. گرچه هم ساختارهای درون‌منطقه‌ای ضعیف‌اند و هم همکاری‌های بین‌منطقه‌ای. برای مثال سازمان اکو نتوانسته با دیگر سازمان‌های منطقه‌ای نظیر سارک یا گروه دی ـ هشت یا مرکوسور

پیوند برقرار کند که این امر نشان‌دهنده ضعف همکاری‌های بین‌منطقه‌ای است.

ـ پیگیری سیاست چندجانبه‌گرایی

همان‌طور که بیان شد، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند، درحالی که در عصر کنونی مهمترین بحث آن است که سطح تحلیل را از دولت‌ها خارج کرده و به‌عنوان بازیگر جدید در سطح بین‌الملل، سیاست چندجانبه‌گرایی را دنبال کنیم. حتی کمک‌هایی که به کشورها می‌شود نباید در سطح دوجانبه محدود بمانند بلکه باید در سطح بین‌المللی ثبت شوند تا بتوان وجهه بین‌المللی کشور را ارتقا داد. برای مثال کشور ما با وجود کمک‌هایی که به افغانستان کرده، در فهرست کشورهای کمک‌کننده در سطح بین‌المللی ثبت نشده است و همواره از آمریکا و ژاپن به‌عنوان کشورهای کمک‌کننده تشکر می‌شود. ازاین‌رو باید سیاست چندجانبه‌گرایی، جایگاه رفیع‌تری در سیاست خارجی ما پیدا کند.

ـ بهره‌گیری از تریبون‌های بین‌المللی

در بحث تغییر یا اصلاح افکار عمومی در سطح بین‌المللی، بهره‌برداری بهینه از تریبون‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل یا سازمان‌های دیگر حائز اهمیت است. در این چارچوب، ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد و همچنین اقبالی که جامعه بین‌المللی به جناب آقای روحانی پیدا کرده، فرصتی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی فراهم آورده تا بتوان با محوریت تهران، از پتانسیل این جنبش استفاده کرد. البته باید توجه داشت که راهکار فرهنگی ـ تمدنی باید بیشتر از راهکار سیاسی مد نظر قرار گیرد. در این راستا بحث گفتگوی ادیان به‌عنوان موضوع همکاری‌های فرهنگی ـ

تمدنی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد.

با توجه به این مباحث، به‌نظر می‌رسد دولت آقای روحانی با رویکرد اعتدال خود تلاش می‌کند نوعی عقلانیت‌گرایی را در سیاست خارجی احیا کند و به‌نوعی به بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی هزینه‌ها بپردازد، بازی برد ــ برد را مد نظر قرار دهد و به‌جای رویکرد تقابلی ـ تهاجمی، رویکرد تعامل مؤثر و سازنده با جهان را دنبال کند تا از این طریق چهره ای مثبت، منطقی و معقول از ایران در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد.

بنابراین لازم است در عرصه سیاست خارجی به تفکیک امور از یکدیگر پرداخت. یعنی همانطور که هر مسئله و موضوعی منطق خاص خود را دارد، نمی‌توان تمام مشکلات سیاست خارجی را به‌صورت دفعی و خلق‌الساعة حل‌وفصل کرد، بلکه باید در زمینه‌هایی که فضای مساعدتری وجود دارد اقداماتی برای ایجاد تفاهم صورت گیرد که این خود به صورت دومینو در عرصه های دیگر تسری پیدا می‌کند و آثار نسبی و مثبت خود را بر جای خواهد گذاشت. بنابراین سیاست خارجی باید مبتنی‌بر عقلانیت باشد تا بتوان مواردی را که اولویت دارند مورد توجه قرار داد و در مواردی که ساده‌تر است وارد گفتگو شد تا از پیچیدگی مسائل سیاست خارجی کاسته شود. بدون اینکه انتظار داشته باشیم سیاست خارجی کشور یک باره حل‌وفصل شود باید سعی کرد با شیبی ملایم و به‌صورت تدریجی و مبتنی‌بر منطق اعتدال، سیاست خارجی را به پیش برد.

ـ توازن بین حق و تکلیف در عرصه سیاست خارجی

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که در سطح بین‌المللی باید بین حق و تکلیف، توازن برقرار شود. نه رویکرد مبتنی‌بر حق‌مداری صرف، پاسخگوی مسائل سیاست خارجی است که بگوییم تنها حق با ماست و صرفاً حقوق ما باید محترم شمرده شوند و نه رویکرد تکلیف‌مدار صرف که غربی‌ها تلاش می‌کنند نظرات خود را به ایران تحمیل کنند، بلکه جامعه بین‌المللی صحنه دادوستد سیاسی است که باید ارزش دو کالا در روابط خارجی برابر باشند و تعادل بین حق و تکلیف در اولویت قرار بگیرد. برای مثال اگر غنی‌سازی ۲۰ درصد متوقف شود، در ازای آن باید قراردادهای بلندمدت تجاری یا ضمانتنامه‌های امنیتی منعقد یا برخی از تحریم‌ها لغو شوند.

برای مثال در بحث هسته‌ای ایران، طرح «گام به گام» روسیه می‌تواند مورد پذیرش واقع شود. براساس این طرح ابتدا ایران باید نگرانی‌های جامعه بین‌المللی را از بین ببرد و شفافیت بیشتری داشته باشد و امکان برخی بازرسی‌های موردی در چارچوب پروتکل الحاقی فراهم شود، البته این اقدام مشروط بر آن است که در ازای آن، امتیازات و مشوق‌های معادل به ایران اعطا شده یا حتی نقشی در تحولات سوریه یا کنفرانس ژنو ۲ برای ایران در نظر گرفته شود و فصل جدیدی در روابط ایران با اروپا و آمریکا پدید آید.

بنابراین در سیاست خارجی باید سناریوسازی کرد، چه سناریوی مثبت و چه سناریوی منفی و نباید فضا را برای تحرک در سیاست خارجی تنگ نگه داشت. برای مثال در مورد بیداری اسلامی در جهان عرب، آمریکا سناریوی خاص خود را برای

زمان حسنی مبارک داشت، پس از آن نیز در زمان مرسی به تعامل با دولت وی پرداخت و سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که فضا برای تعامل با اسلام‌گرایان باز باشد. ازاین‌رو ایران نیز باید همیشه فضا را برای خود باز نگهدارد و سناریوهای مختلف را در شرایط گوناگون برای خود طراحی کند. ازاین‌رو برای سیاست خارجی کشور باید نسخه‌های متعددی در نظر گرفت تا حقوق ایران در نظام بین‌الملل تأمین شود.

ـ تعادل بین ساختار و کارگزار

نکته دیگر اینکه ضمن احترام به هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل، در بحث اعتدال باید تناسب بین ساختار و کارگزار رعایت شود. کارگزاران دستگاه دیپلماسی به‌عنوان تأمین‌کننده منافع ملی باید فارغ از جناح‌بندی‌ها و مبتنی‌بر تفکرات معتدل عمل کنند. بنابراین اگر در موضوعات سیاست خارجی دیپلمات‌های باتجربه و تکنوکرات به‌کار گرفته شوند، عملاً موجب ایجاد اجماع در ساختار قدرت شده و نوعی انعطاف فعال در سیاست خارجی بروز پیدا خواهد کرد که می‌تواند از پشتیبانی وسیعی بین مردم و نخبگان برخوردار باشد. متأسفانه درحال حاضر در بدنه وزارت امور خارجه نوعی دلسردی به‌چشم می‌خورد زیرا این اعتقاد وجود دارد که نظرات کارشناسی ارائه شده ازسوی نخبگان این وزارتخانه مورد توجه قرار نمی‌گیرند یا اساساً کم‌اهمیت شمرده می‌شوند. در برخی موارد نیز به‌دلیل تسلط ملاحظات امنیتی بر ملاحظات سیاسی، اولویت‌ها و ترجیحات مورد نظر نخبگان سیاست خارجی شکل عملیاتی به‌خود نمی‌گیرد.

ـ تعامل با همه جهان و بازنگری در سیاست نگاه به شرق

نکته دیگر اینکه باید میان رابطه با شرق و غرب نوعی تعادل برقرار کرد. به‌جای تکیه صرف به شرق باید نگاه به غرب مورد بازنگری قرار گیرد و کوشید که این مسئله در چارچوب برنامه‌ریزی منطقی و منسجم دنبال شود.

در بحث هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها نیز همه گزینه‌ها را باید مد نظر قرار داد. تأثیرگذاری بر سیاست‌های آمریکا، مذاکره با اروپا و همچنین ارتباط بیشتر با کشورهای عضو گروه بریکس یعنی برزیل، هند، چین، آفریقای جنوبی و روسیه ازجمله گزینه‌هایی از که باید مورد توجه قرار گیرند تا از این طریق و با برقراری تعادل و توازن و اتخاذ اقدامات اعتمادساز در صحنه بین‌المللی، فضای تهدید، ارعاب و بی‌اعتمادی علیه ایران کاسته شود. به هر صورت اعتدال و میانه‌روی نیازمند پرهیز از هیجان‌زدگی و حاشیه‌زدگی، استفاده از ادبیات خردمندانه و زبان دیپلماتیک منطقی و تعامل‌گرا، پیوند بین سیاست اعلانی و اعمالی و دوری از رفتارهای واکنشی و افراط و تفریط است تا بتوان قدرت مانور ایران را در سطح بین‌المللی افزایش داد.

ـ تداوم در عین تغییر در سیاست خارجی

نکته دیگر آن است که سیاست خارجی کشور باید سیاستی مبتنی‌بر تداوم در عین تغییر باشد. به این معنی که در موضوعات بنیادین و ماهوی مثل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، نفی نظام سلطه، حمایت از وحدت جهان اسلام، حمایت از آرمان فلسطین و حق فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای سیاست تداوم دنبال شود، اما در لحن و گفتار یا نوع نگرش به پدیده‌های جهان و در نوع رفتار با دیگران تغییراتی با

ابزار منطق و تدبیر ایجاد شود تا با نگاه به آرمان‌ها و لحاظ کردن واقعیت‌ها اهداف سیاست خارجی کشور تأمین شوند.

همچنین باید میان فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشور، تعادل و توازن برقرار شود. بسیاری از مسائل تاکنون با نگاه امنیتی و سیاسی مورد توجه بودند، اما اکنون باید دو رویکرد جدید را مد نظر قرار داد: یکی توجه به موضوع دولت توسعه‌گرا که به‌معنای توجه به مسائل مربوط به اقتصاد است و دوم اولویت دادن به مسائل فرهنگی. بنابراین لازم است برای ارتقای مقبولیت بین المللی کشور، گفتمان جدیدی مبتنی‌بر فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی ایجاد کرد. به‌جای تسلط سیاست بر فرهنگ باید تمدن نوین اسلامی ـ ایرانی را بازنمایی کنیم تا تصویر مثبتی از ایران در جهان به‌وجود آید و رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به جامعه اسلامی ما تغییر یابد. از این طریق می‌توان از فضای تنش‌آمیز کنونی خارج شد و به‌تدریج به فضای مثبتی که مبتنی‌بر قاعده برد ـ برد در نظام بین‌الملل باشد دست پیدا کرد.

پرسش و پاسخ

سؤال: بسیاری از افراد معتقدند با پیروزی دکتر روحانی در انتخابات، تغییر فضای گفتمان و تغییر تصورات در سیاست خارجی صورت گرفته، اما شرایط واقعی دچار تحول نشده و سیاست غربی‌ها نیز تغییری پیدا نکرده بلکه حتی به سمت تشدید تحریم‌ها و افزایش فشارها بر ایران پیش رفته است. به‌نظر شما تغییر در فضای ذهنی و تصورات تا چه اندازه در فضای واقعی هم به‌وقوع

پیوسته است؟ آیا غرب در عمل، سیاست خود نسبت به ایران را تغییر خواهد داد؟

پاسخ: در روابط بین‌الملل تلقی از واقعیت مهمتر از خود واقعیت است. هر واقعیتی در تغییر تصورات انسان مؤثر است ولی نیت‌خوانی در روابط بین‌الملل نیز اهمیت دارد. به‌طور کلی حسن نیت در حوزه سیاست خارجی بسیار مهم است و باعث تغییر فضای ذهنی می‌شود، البته نباید صرفاً به ادبیات‌سازی و اظهارنظر بسنده کرد. یکی از اقدامات مؤثر آن است که با رسانه‌ها و مطبوعات خارج کشور ارتباط برقرار کنیم.

در بحث دیپلماسی عمومی باید دانشگاه‌ها را آزادتر گذاشت تا اساتید با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و وارد گفتگو شوند و به‌خصوص برای اساتید متعهد، کمتر محدودیت ایجاد شود تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مسائل بین‌المللی بیان کنند. در مجموع این مسائل می‌توانند باعث تغییر ذهنیت دیگران نسبت به ایران شوند.

نکته دیگر اینکه علیرغم عدم تغییر واقعیت، می‌توان فضای فکری را به این سمت سوق داد که دولت کنونی خواستار تعامل با غرب است و مصالحه بر بحث و مجادله ارجحیت دارد. این تغییر فضا قطعاً می‌تواند سیاست‌های غرب نسبت به ایران را نیز تغییر دهد.

سؤال: در یکی از گزارش‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی آمده بود که ایران‌شناسان فرانسه از روابط نامناسب این کشور با ایران اظهار تأسف کرده‌اند و معتقدند که پاریس باید روابط خود با تهران را بهبود بخشد. با این حال در بحث هسته‌ای، فرانسوی‌ها سیاستی کاملاً ضدایرانی دارند. درواقع نخبگان و

ایران‌شناسان در این کشورها تأثیری روی تفکر سیاسی دولت‌ها ندارند و به‌دلیل بده و بستان سیاسی این دولت‌ها با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا، همچنین به‌علت منافع اقتصادی و روابط تجاری و سیاسی که با آمریکا دارند، همواره علیه ایران موضع‌گیری می‌کنند. چگونه است که تیم‌های فکری و نخبگان و ایران‌شناسان در این کشورها بر سیاستمداران اثر ندارند؟

پاسخ: در مورد تأثیر ایران‌شناسان بر نخبگان سیاسی، مشکل عمده آن است که ما از یک ایران‌شناس انتظار داریم همیشه از ما تعریف کند درحالی که ایران‌شناس ضرورتاً نباید از مواضع ما حمایت بلکه حتی ممکن است انتقاد کند و انتقادش درست هم باشد. در صورتی‌که برای مثال در وزارت ارشاد در مورد خبرنگاران خارجی، برخی این انتظار را دارند روزنامه‌نگاری که از خارج وارد ایران می‌شود گزارشی صد درصد مثبت از اوضاع کشور تهیه و ارسال کند، اما باید توجه داشت که اگر خبرنگاری ۷۰ درصد گزارش مثبت از ایران تهیه کرد و ۳۰ درصد گزارش وی انتقادی بود باز بهتر از آن است که با عدم حضور او در ایران، گزارشی صد درصد منفی علیه کشورمان تهیه شود. در این مورد باید نگاه خود را تغییر دهیم. یک ایران‌شناس لزوماً نباید موضع هماهنگ با ما داشته باشد، اما باید با برنامه‌ریزی و کار فرهنگی بتوانیم موضع آنها را از صد درصد منفی به ۵۰ درصد منفی تغییر دهیم.

زمانی که در فرانسه حضور داشتم، شاهد بودم برخی افرادی که به‌عنوان طرفدار ایران مطرح بودند به‌دلیل اینکه یک‌بار موضعی علیه کشورمان داشتند از دریافت ویزا محروم می‌شدند. طبعاً این افراد به‌تدریج موضع کاملاً منفی علیه ایران پیدا می‌کنند. در

سطح بین‌المللی زمانی که برخورد خشنی با یک فرد صورت می‌گیرد یا به وی بی‌توجهی و بی‌احترامی می‌شود، نباید انتظار رفتار مثبت از او داشت. بنابراین اگر ما ادبیات خود را تصحیح سازیم و با نخبگان، ایران‌شناسان، افراد دانشگاهی و روزنامه‌نگاران خارجی روابط بهتری برقرار کنیم، می‌توانیم انتظار برخورد مثبت‌تری ازسوی آنها داشته باشیم. در بلندمدت این رفتار قطعاً تأثیرات خود را بر جای خواهد گذاشت و باعث تغییر رفتار سیاستمداران این کشورها نیز خواهد شد.

سؤال: در سال‌های گذشته مسائل مربوط به پرونده هسته‌ای در شورای عالی امنیت ملی دنبال می‌شدند و وزارت امور خارجه عملاً نقشی در آنها نداشت. بحثی که امروزه در محافل علمی مطرح می‌شود این است که لازم است وزارت امور خارجه نقش اصلی خود را در مورد این موضوع ایفا کند و به مسئول مستقیم و اصلی این پرونده تبدیل شود. به‌نظر شما آیا بهتر است پرونده هسته‌ای کشور به وزارت امور خارجه بازگردد یا در شورای عالی امنیت ملی باقی بماند؟

پاسخ: در مورد اینکه مسئولیت پیگیری پرونده هسته‌ای باید به وزارت امور خارجه سپرده شود یا شورای عالی امنیت ملی، باید گفت بهتر است تصمیم‌گیری‌های کلان در این زمینه در شورای عالی امنیت ملی به انجام برسند، اما وزارت امور خارجه به‌عنوان کارگزار پرونده تعیین شود. بر این اساس می‌توان از همه نهادهای مرتبط درخصوص این پرونده نظرخواهی کرد، اما فرد مذاکره‌کننده لزوماً باید چهره‌ای دیپلماتیک باشد. برای نشان دادن وقوع تحول در سیاست خارجی، تغییر چهره دیپلماتیک کشور بسیار اهمیت دارد. در مجموع پیگیری مسائل سیاست خارجی توسط دیپلمات‌ها نتایج مطلوب‌تر و مناسب‌تری را به همراه خواهد داشت.

شناسنامه گزارش	مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی	شماره مسلسل: ۱۳۱۸۰

عنوان گزارش: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم (اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)، سخنران: دکتر محمدرضا دهشیری، گزارش نشست علمی ـ تخصصی دفتر مطالعات سیاسی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

سخنران: محمدرضا دهشیری

تهیه و تدوین: سمانه احمد خان‌بیگی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی ـ حقوقی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. سیاست خارجی

۲. دولت یازدهم

۳. چالش‌ها

٤. فرصت‌ها

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۱۰